

The Evolution of Commentators' Understanding of the Phrase "and those who Endured it, the Fedyah of Feeding the Poor is Obligatory" in Verse 184 of Surah Al-Bagharah

Mahdi Ebadi *

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Medicine, Shahrood University of Medical Sciences, Shahrood, Iran

Mohammad Mokhtari

3rd Level Scholar of Qur'an Interpretation and Sciences, Specialized School of Qur'an and Etrat, Khorasan Faculty of Science, Mashhad, Iran

Accepted: 17/04/2023

Abstract

One of the verses, the interpretation of which has been the point of disagreement among commentators, is the phrase "and those who endured it" (Al-Bagharah /184). Considering that the verb is used positively in this verse, it has challenged the commentators in understanding the said phrase. The present article, which was carried out with a descriptive-analytical method, aims to provide the basis for a more accurate understanding of the verse by following the evolution of the understanding of this verse in the minds of commentators and recover the necessary data for a correct judgment about the conditions and exceptions of fasting in the Quran. With the investigations carried out in this research, it became clear that according to the course of time from the first century to the present era, according to the course of the understanding of the commentators, such as the difference in reading, the hypothesis of cancellation, the recognition of the negation letter or the verb "كَانُوا", the expression of the examples of "يَطِيقُونَهُ" And the exact meaning of this article has been discussed in the verse. Among these views, the efforts of recent commentators in the 14th and 15th centuries have greatly contributed to the correct understanding of the verse. These efforts have been through the discovery of the truth of the meaning of "يَطِيقُونَهُ" which has led to the comparison of the adverb of hardship in the article "يَطِيقُونَهُ" and it has been mentioned in the comments of commentators from the Companions, such as Ibn Abbas.

Received: 14/03/2022

eISSN: 2476-6070

Keywords: Fasting, Nasgh, Transformation, to Endure, Al-Baqarah/ 184.

ISSN: 2228-6616

* Corresponding Author: Ebadi@shmu.ac.ir

How to Cite: Ebadi, M., Mokhtari, M.. (2023). The Evolution of Commentators' Understanding of the Phrase "and those who Endured it, the Fedyah of Feeding the Poor is Obligatory" in Verse 184 of Surah Al-Bagharah, *Journal of Seraje Monir*, 13(45), 161-184.

سیر تطور فهم مفسران از عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ» در آیه ۱۸۴ سوره بقره

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود،
شاهرود، ایران

مهدی عبادی * ID

دانش پژوه سطح ۳ تفسیر و علوم قرآن، مدرسه تخصصی قرآن و عترت، حوزه
علمیه خراسان، مشهد، ایران

محمد مختاری

چکیده

یکی از آیاتی که تفسیر آن محل اختلاف مفسران بوده، عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» (البقره/ ۱۸۴) است. نظر به اینکه فعل «يُطِيقُونَهُ» در این آیه مثبت به کار رفته، مفسران را در فهم عبارت مذکور دچار چالش نموده است. نوشتار حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته، در صدد است، تا با گذاری به سیر تطور فهم این آیه در اندیشه مفسران، زمینه فهم دقیق تر آیه را فراهم آورد و داده‌های لازم برای داوری صحیح پیرامون شروط و استثنائات روزه در قرآن را بازیابی کند. با بررسی‌های انجام شده در این تحقیق، روشن شد که حسب سیر زمانی از قرن اول تا عصر حاضر، به ترتیب سیر فهم مفسران، مباحثی همچون اختلاف قرائت، فرضیه نسخ، در تقدیر گرفتن حرف نفی یا فعل «كَانُوا»، بیان مصادیق «يُطِيقُونَهُ» و تبیین معنای دقیق این ماده در آیه مورد بحث بوده است. از میان این دیدگاه‌ها، تلاش مفسران اخیر در قرن چهاردهم و پانزدهم در فهم آیه به برداشت صحیح از آیه کمک شایانی کرده است. این تلاش‌ها از طریق کشف حقیقت معنایی «يُطِيقُونَهُ» بوده که به مقارنت قید مشقت در ماده «يُطِيقُونَهُ» انجامیده است و در نظرات مفسرانی از صحابه، همچون ابن عباس هم بدان اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: روزه، نسخ، تطور، يُطِيقُونَهُ، آیه ۱۸۴ بقره.

۱. مقدمه

یکی از آیات متشابه قرآن که گاه به نوعی مستمسک شبهات نیز قرار می‌گیرد، آیه ۱۸۴ سوره بقره است. در میان مفسران، نظریات گوناگونی در فهم و تفسیر آن وجود دارد. با توجه به اینکه فعل «يُطِيقُونَهُ» در این آیه، مثبت به کار رفته است و معنای «حمل کردن، تاب آوردن و توانایی» از آن فهمیده می‌شود، مفسران در فهم عبارت مذکور دچار چالش شده‌اند و سعی کرده‌اند با بیان احتمالات گوناگون، مسأله مخیر بودن مسلمانان میان «روزه» و «اطعام مسکین» را که از عبارت مذکور برداشت می‌شود، حل نمایند. هرچند تلاش‌های بسیاری برای حل مناقشات متنی آیه انجام شده است، اما آنچه به روشن شدن و حل گره‌های فهم آیه کمک شایانی می‌کند، در نظر گرفتن همه اقوال و اندیشه‌های طرح شده و جمع‌بندی صحیح و سقیم از آنهاست. بر این اساس، سیر تطور فهم آیه مذکور در طول تاریخ، می‌تواند علاوه بر نمایاندن تلاش‌های مفسران در فهم آیه، چراغ راهی بر فهم کامل و البته دقیق آیه باشد. سیر تطور فهم آیه، علاوه بر اینکه فراز و فرودهای تفسیر آیه را نشان داده، دلیل فتاوی مختلف را چه بسا به صورت مبنایی نشانگر باشد.

سؤال اصلی که در این نگارش دنبال شده، این است که مفسران در قرون مختلف، چه نظریات یا دیدگاه‌هایی را پیرامون عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» ذکر کرده‌اند و سیر فهم ایشان به چه شکل بوده است؟ همچنین، سؤالات فرعی که پاسخ به آنها در فهم مقصود عبارت، در مجموع آیات ۱۸۳ تا ۱۸۵ بسیار مهم است، عبارتند از: ۱- فضای رواج هر دیدگاه چه بوده است و تا چه اندازه توانسته پیچیدگی حاصل از فهم آیه را برطرف نماید؟ ۲- کدام دیدگاه و روش فهم در تبیین حقیقت مراد خداوند از این عبارت نزدیک‌تر بوده است و آنچه را که مخاطبان عصر نزول از عبارت مذکور درک می‌کردند، بهتر می‌رساند؟

در پژوهش‌هایی به واژه‌شناسی کلمه «يُطِيقُونَهُ» پرداخته شده است؛ مانند: «باز کاوی واژه "طاق" در آیه صوم» (مسعودی، ۱۳۹۱ و طیب حسینی، ۱۳۹۹). همچنین، در بحث نسخ آیه ۱۸۴، مقاله «عن تاریخ التشریح: الآیه المنسوخة «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ»

(عبدالباقی، ۱۳۷۵) نوشته شده است. افزون بر این، تحقیقاتی در زمینه «تطورنگاری» فهم مفسران در آیات دیگر قرآن وجود دارد، اما جستاری که در زمینه سیر فهم مفسران از آیه ۱۸۴ سوره بقره و خصوصاً عبارت ﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ﴾ پرداخته باشد، یافت نگردید. گفتارهای اصلی که در این نگارش به آن‌ها پرداخته شده، عبارتند از: بررسی فهم مفسران از قرن اول تا سوم، قرن چهارم تا ششم، قرن هفتم تا نهم، قرن دهم تا سیزدهم و مفسران معاصر در قرن چهاردهم و پانزدهم. ذیل تطورات تفسیری در قرن چهارم تا ششم نیز سه تقسیم‌بندی بیان گردیده که به ترتیب عبارتند از: «دیدگاه رایج نسخ و وجوه آن در این دوره»، «دو دیدگاه نادر در کنار بحث نسخ در این دوره»، «دیدگاه برداشت اقل قدرت و اکثر مشقت در «یَطِيقُونَهُ»».

۱. قرن اول تا سوم (بیان اختلاف قرائت و آغاز گرایش به نظریه نسخ)

یکی از تطورات تفسیری آن دوران که از بررسی آثار تفسیری به جا مانده از آن عصر به دست می‌آید، گسترش تدریجی قلمرو تفسیر می‌باشد. همه آیات قرآن در قلمرو تفسیر قرار نداشته‌اند و تفسیر به بیان معنای برخی واژه‌ها، ذکر برخی اسباب و شأن نزول آیات و بیان مقصود اندکی از آیات محدود بوده است. از این رو، تفسیر کاملی که شرح و توضیح معنا و مقصود تمام آیات را در بر داشته باشد، از آن عصر نقل نشده، به دست ما نرسیده است. اما با فاصله گرفتن از عصر نزول، به تدریج آیات بیشتری تفسیر شد و تفسیرهایی که تدوین شد، حجم بیشتری از آیات قرآن را در بر گرفت.

در این دوره، سیر فهم تفسیر عبارت ﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ...﴾ از بحث اختلاف قرائت و معنای نفی در فعل «يُطِيقُونَهُ» به تدریج به سمت مسأله منسوخ بودن آیه گرایش پیدا می‌کند. در واقع نقطه شروع فرضیه نسخ آیه شریفه، از تفاسیر قرن سوم به بعد می‌باشد. از ابن عباس نقل شده که مراد از «عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» که باید به جای روزه فدیة بدهند، «الَّذِينَ يُكَلِّفُونَهُ» است؛ یعنی کسانی که روزه موجب تکلف و زحمتشان می‌شود که عبارتند از: پیرمرد و پیرزنی که طاقت بر روزه ندارند. لذا عوض از روزه، مسکین را اطعام می‌نمایند

سیر تطوّر فهم مفسران از عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ...؛ مهدی عبادی و محمد مختاری | ۱۶۵

و قضا هم به گردنشان نخواهد بود. همچنین، از ابن عباس قرائت «يُطِيقُونَهُ»، به ضمّ یاء، تشدید طاء و یاء روایت شده (ر.ک؛ ابن عباس، ۱۴۱۱ ق.: ۹۵) که به نظر می‌رسد تفاوت آن با «يُطِيقُونَهُ» تنها در اختلاف ابواب است که اولی از باب تَفَعَّلَ، و دومی از باب افعال است.

ابن جریر و بیهقی از عایشه نقل کرده‌اند که فعل «يُطِيقُونَهُ» را «يَطْوِقُونَهُ» قرائت می‌کرد^۱ (ر.ک؛ فینسان، ۱۴۱۳ ق.: ۵۸۵۶). بنابراین، قرائت متفاوتی از «يُطِيقُونَهُ» به صورت «يَطْوِقُون» با تشدید واو وجود دارد. این قرائت نشانگر آن است که ضرورتاً نباید معنای «يُطِيقُون» را تنها در ارتباط با توانایی دانست، بلکه لازم است پیوندی در معنای مشقت و رنج کشیدن داشته باشد. با این حال، این قرائت را به علت عدم تواتر باید کنار گذاشته شود. البته احتمال اینکه قرائت پیامبر اکرم (ص) باشد، نیز نمی‌توان به کلی نادیده گرفت.

مراد از «عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ»، افرادی هستند که توانایی روزه گرفتن ندارند و مریض یا مسافر هم نیستند. این افراد اگر خواستند، روزه می‌گیرند و اگر تمایل داشتند، به جای روزه، مکلف به پرداخت فدیة خواهند بود. در پرداخت فدیة برای هر مسکین، نصف صاع گندم در نظر گرفته می‌شود و چنانچه بیش از یک مسکین طعام داده شود، نیکوتر است. در نهایت، می‌فرماید: اگر روزه بگیرید، از طعام دادن برای شما بهتر است (ر.ک؛ مقاتل، ۱۴۲۳ ق.، ج ۱: ۱۶۰-۱۶۱). در واقع، ایشان، طبق آیه شریفه، حکم وجوب روزه را برای کسانی می‌داند که توانایی دارند و عبارت «عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» را به معنای «کسانی که توانایی ندارند» معنا می‌کند.

در این مرحله، یعنی تقریباً از ابتدای قرن سوم، قول به منسوخ بودن حکم ظاهری جواز روزه که از عبارت محل بحث برداشت شده است، به تدریج بیان می‌شود. در تفسیر معانی القرآن آمده است:

«عبارت ﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ...﴾، در ابتدا پیرامون افرادی بود که طاقت انجام روزه را داشتند و اختیاراً روزه نمی‌گرفتند که باید به جای هر روز، مسکینی را اطعام می‌کردند. سپس حکم جواز روزه و پرداخت فدیة به جای آن با عبارت ﴿وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ﴾ نسخ شد» (فراء، ۱۹۸۰ م.، ج ۱: ۱۱۲).

برخی مانند ابن قتیبه، عبارت «عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَ» را با آیه «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» (البقره / ۱۸۵) منسوخ می‌دانند (ر.ک؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۱ ق، ج ۱: ۶۸-۶۹).

عبدالرزاق معتقد است این حکم دربارهٔ مرد و زن کهنسالی بود که با سختی می‌توانستند روزه بگیرند، اما ترخیصی از جانب خداوند آمد و ایشان را به جای روزه، موظف به پرداخت فدیة نمود. با این حال، این حکم با آیه «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» نسخ گردید. ایشان به مسألهٔ اختلاف قرائت در این آیه هم اشاره کرده، می‌گوید:

«برخی "يُطِيقُونَ" را "يُطَوَّقُونَ" خوانده‌اند، به معنای تکلف و سختی؛ یعنی کسانی که با روزه گرفتن به تکلف می‌افتند، به مسکین طعام دهند و روزه نگیرند» (صنعانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱: ۷۸).

از میان قرائت‌های گوناگونی که از مادهٔ «طاق» در قالب فعل مضارع «يُطِيقُ» در آیهٔ ۱۸۴ سورهٔ بقره بیان شده است، احسن این موارد، قرائت «يُطِيقُونَ» می‌باشد که وجه اولویت آن، وجود تواتر در این قرائت است.

۲. قرن چهارم تا ششم (رواج دیدگاه نَسَخ)

در این دوره، مسألهٔ نَسَخِ حکمِ عبارتِ محل بحث که از ابتدای قرن سوم مطرح شد، بسیار پررنگ تر می‌شود. در واقع، مفسران در این برهه سعی کردند وجوه مختلفی برای منسوخ بودن آیه مطرح نمایند، تا از چالش جواز روزه برای مکلفین قادر نجات پیدا کنند. شاید علت آن، دور شدن از فضای نزول آیه و کم‌توجهی به حقیقت معنای «يُطِيقُونَ» بود که مفسران را بر آن داشت تا برای تبیین فهم صحیح آیه، متمسک به نَسَخ شوند. البته نظریات تفسیری دیگری نیز بیان شده است؛ مانند: ۱- اختصاص «يُطِيقُونَ» در مصداق به زن حامله، شیرده، سالخورده‌گان و مکلف قادر که مصداق چهارم، طبق ارادهٔ معنای قدرت از «يُطِيقُونَ» در مقابل غیر قادر (مریض) برداشت شده است. ۲- در تقدیر گرفتن «کأنوا»، ۳- ارجاع ضمیر «يُطِيقُونَ» به «فَدِيَّة».

۱-۲. دیدگاه رایج نسخ و وجوه آن در این دوره

طبری مسأله نسخ آیه را به دو بیان مطرح کرده است: اول اینکه عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ...» به طور مطلق، همه کسانی را شامل می‌شد که توانایی روزه گرفتن دارند و با انتخاب خود می‌توانستند روزه گرفته، یا مسکین را طعام دهند. سپس این حکم با آیه «شَهْرُ رَمَضَانَ...» نسخ شد و حکم پرداخت فدیة عوض از روزه، مخصوص پیرمرد و پیرزنی گردید که توانایی روزه گرفتن را ندارند. دوم اینکه آیه در ارتباط با همه قادران بر روزه بود که می‌توانستند از میان روزه گرفتن یا پرداخت فدیة، یک تکلیف را انتخاب نمایند. سپس آیه ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾ نازل گردید و ضمن نسخ حکم قبلی، وجوب روزه را برای همه افراد معین نمود. در مرحله بعد، با عبارت ﴿وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾ دو گروه از حکم کلی وجوب روزه استثنا شدند که باید قضای روزه خود را در زمانی دیگر غیرمریضی و سفر به جای آورند (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۷۸).

ابی حاتم درباره عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ»، سه (۳) وجه را مطرح می‌کند که وجه اول نقل قول ابن عباس است. اما در وجه دوم، شاهد آن هستیم که دیدگاه نسخ را به دو وجه بیان می‌کند. در وجه اول می‌گوید: حکم جواز روزه و فدیة، با آیه «شَهْرُ رَمَضَانَ...» منسوخ گردید. وجه دوم نسخ، عبارت است از آنکه در ابتدا نزول حکم جواز روزه و فدیة، مختص زن حامله و شیرده بوده، سپس این حکم با آیه یا عبارت «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ...» نسخ شد که این گروه هم باید روزه بگیرند (ر.ک؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۳۰۸-۳۰۷).

بیشتر دانشمندان ضمیر آخر این فعل را به «صوم» برگردانده‌اند و معنا کرده‌اند که خداوند کسانی را که قدرت روزه گرفتن دارند، مخیر کرده است بین اینکه روزه بگیرند و کفاره ندهند و یا اینکه عوض روزه، از هر روزی یک مسکین را غذا دهند و این تخییر برای عادت نداشتن مردم بر روزه جعل شد، ولی این حکم بعداً با آیه کریمه «فَمَنْ شَهِدَ

مِنْكُمْ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» (هر که در ماه رمضان حاضر باشد، باید روزه بگیرد) نسخ شد (واحدی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱: ۱۵۰).

همچنین، بیان شده در ابتدا عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ»، حکم و جوب پرداخت فدیة برای دو گروه بود: اول کسانی که با وجود قدرت بر روزه، روز نمی‌گرفتند (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق.، ج ۱: ۲۲۶ و طبرسی، ۱۴۱۲ق.، ج ۱: ۱۰۳). دوم افرادی که روزه را با تحمل سختی و مشقت می‌گرفتند. سپس حکم پرداخت فدیة درباره گروه اول با آیه «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» نسخ شد (ر.ک؛ طبرانی، ۲۰۰۸م.، ج ۱: ۳۰۲). در بیان طبرانی، چنان که واضح است، دیدگاه نسخ پابرجاست، اما ایشان نسبت به مکلفان قادر و مطیق، در منسوخ شدن حکمشان تفکیک قائل شده است و حکم ابتدایی را شامل هر دو گروه و آنگاه نسخ را نسبت به گروه اول، یعنی افراد قادر می‌داند.

اکثر مفسران در این دوره معتقدند که در ابتدا مسلمانان بین روزه و افطار مخیر بودند و این حکم با آیه «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» نسخ شد.

آیه ناسخ مطابق روایات وارده (ر.ک؛ بخاری، ۱۴۰۱ق.، ج ۲: ۲۳۸)، «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» است، به طوری که پس از نزول آیه ۱۸۳ سوره بقره و تعبیر «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ»، هر مسلمانی مخیر بود تا میان روزه گرفتن و فدیة دادن، یکی را انتخاب کند، تا زمانی که آیه «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» نازل شد و آن را نسخ نمود (ر.ک؛ آلوسی بغدادی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱: ۴۵۶ و جصاص، ۱۴۰۵ق.، ج ۱: ۲۱۸).

در ادامه بیان قول مشهور که دیدگاه نسخ را مطرح کردند، مفسرانی همچون شیخ طوسی، رشیدالدین میبدی و جناب بغوی در تفاسیر خود به ذکر دو وجه نسخ اشاره می‌کنند، اما در پایان، دیدگاهی را بیان می‌کنند که طبق آن، آیه منسوخ نیست و محکم است. شاید بتوان این دیدگاه محکم بودن آیه از سوی این سه مفسر را زمینه و آغاز جدایی از نظریه نسخ در این دوره دانست.

قول اول: در بیان شیخ، در بیان دو وجه نسخ است:

سیر تطور فهم مفسران از عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ...؛ مهدی عبادی و محمد مختاری | ۱۶۹

وجه اول نسخ: در ابتدا هر فردی مخیر بود میان روزه گرفتن و اطعام مسکین، یکی را برگزیند، سپس این حکم با آیه «شَهْرُ رَمَضَانَ...» نسخ شد.

وجه دوم نسخ: حکم جواز روزه و اطعام مسکین درباره سه گروه بود. ۱- زنان شیرده، ۲- زنان باردار، ۳- سالخوردگان. سپس این حکم درباره سالخوردگان باقی ماند و نسبت به دو گروه اول نسخ شد.

قول دوم: در این حکم، هیچ گونه نسخی رخ نداده است، بلکه فعل «كَانُوا» در عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» در تقدیر است؛ یعنی افرادی که از ابتدا توانایی داشتند و سپس عاجز شدند (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۲: ۱۱۸-۱۱۹). احتمال می رود شیخ طوسی این قول در تقدیر گرفتن فعل ماضی را از روایت امام صادق^(ع) اخذ کرده باشد.

چنان که گفتیم، در تفسیر جناب میبدی و در تفسیر معالم التنزیل، دو وجه نسخ و یک وجه محکم بودن آیه بیان شده است. وجه اول نسخ، آن است که مطابق عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ»، در ابتدا مسلمانان میان پرداخت فدیة و گرفتن روزه مخیر بودند. لذا در ادامه آمد که اگر کسی بر مقدار طعام افزود، پسندیده است و اگر روزه گرفتید، برای شما بهتر است. پس چون «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» فرود آمد، این حکم منسوخ گشت و بر کسانی که توانایی روزه گرفتن داشتند، روزه واجب شد.

اما وجه دوم نسخ آن است که آیه در ابتدا مخصوص پیران و سالخوردگان نازل گشت و سپس منسوخ گردید. وجه پایانی این است که آیه محکم بوده، با هیچ آیه ای منسوخ نشده است، بلکه از همان ابتدا حکم سالخوردگان را بیان می کند که اگر روزه گرفتن بر ایشان مشقت انگیز بود، فدیة دهند و اگر خواستند یکی را برگزینند، روزه گرفتن اولی است (ر.ک؛ میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۴۸۵ و بغوی، ۱۴۲۰، ق.، ج ۱: ۲۱۵).

۲-۲. دو دیدگاه نادر در کنار بحث نسخ در این دوره

برخی در توضیح عبارت مذکور، «مریض» را به معنای کسی می دانند که قادر بر روزه گرفتن نیست و در برابر آن، «یُطِيقُونَهُ» کسی است که ضمن توانایی، میان روزه و اطعام

مسکین، مختار است؛ یعنی: «الَّذِينَ يُطِيقُونَ الصَّوْمَ فَلَهُ جَوَازُ بَيْنَ الصَّوْمِ وَالْإِطْعَامِ» (سمرقندی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱: ۱۲۱). چنان که اشاره شد، این دیدگاه که مصداق «يُطِيقُونَهُ» را مکلف قادر بداند، در میان مفسران این دوره بسیار اندک بوده، نشان از سستی این نظر دارد، اما باز هم شاهد آن هستیم که برخی از مفسران مانند جناب سمرقندی همین قول را برگزیده‌اند.

یکی از اقوال شاذی که در آیه مطرح شده، بحث ارجاع ضمیر «يُطِيقُونَهُ» به کلمه «فِدْيَةِ» است؛ یعنی کسانی که توانایی پرداخت فدیة دارند و نمی‌توانند روزه بگیرند، مانند سالخوردهگان باید عوض هر روز، یک مد طعام به مسکین بپردازند. در آخر آیه هم می‌فرماید: اگر روزه بگیرد، بهتر از پرداخت فدیة است (ر.ک؛ دینوری، ۱۴۲۴ ق، ج ۱: ۶۰). در این نظر، نوعی تعارض است که پذیرفتنی نیست؛ زیرا از یک طرف، بحث مشقت را در پرداخت فدیة می‌داند و از طرفی دیگر، مسأله ناتوانی از روزه گرفتن را هم در معنای اطاقه دخیل می‌کند. ضمن اینکه اگر ضمیر به فدیة ارجاع شود، دلیلی بر ذکر فدیة در ادامه عبارت نخواهد بود.

۲-۳. دیدگاه برداشت اقل قدرت و اکثر مشقت در «يُطِيقُونَهُ»

پس از بیان دیدگاه مشهور نسخ، در پایان این دوره، به تدریج فهم مفسران از نظریه نسخ منصرف شده، به حقیقت معنای اطاقه روی آورده‌اند. از مفسرانی که در این دوره معنای «يُطِيقُونَهُ» را در نازل‌ترین حد قدرت و یا کسی که با زحمت و مشقت کاری را انجام دهد، تفسیر کرده‌اند، می‌توان به جناب قشیری و علامه طبرسی اشاره کرد.

عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ...» اشاره به این است که هر کس علاوه بر توانایی، قوتی برای انجام روزه داشته باشد، باید روزه بگیرد؛ زیرا شریعت در پی سختگیری بر مکلفان نیست و در بیشتر اوقات، بدل از تکلیف اول، برای افرادی که با مشقت می‌توانند فعل واجب را انجام دهند، عمل جایگزینی قرار داده‌است. در واقع، هر زمان که تکلیف با مشقت فراوان همراه باشد، حکم آن تعدیل شده، تا زمینه سهولت مکلفان فراهم گردد؛ زیرا خداوند در جایی فرموده‌است: ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ﴾. سپس می‌فرماید: ﴿وَمَا

سیر تطور فهم مفسران از عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ...؛ مهدی عبادی و محمد مختاری | ۱۷۱

جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ؛ یعنی در راه قیام شما، در به جا آوردن حق جهاد خداوند، مشقت فراوان را برای شما جعل نمی کند (ر.ک؛ قشیری، ۲۰۰۰ م، ج ۱: ۱۵۴).

۳. قرن هفتم تا نهم (رد دیدگاه نسخ و آغاز فهم عبارت از طریق کشف معنای «يُطِيقُونَهُ»)

در ادامه، دیدگاه منفی به نسخ عبارت مذکور که از پایان قرن ششم به تدریج آغاز گردید، در قرن هفتم تا نهم، شاهد این نگاه به مسئله نسخ هستیم و حتی مفسرانی همچون فخر رازی، قائل به بطلان نسخ در آیه ۱۸۴ سوره بقره می شوند. پیرو این دیدگاه، مفسران دیگر نیز همچون بیضاوی و فاضل مقداد در قرن هشتم، به حقیقت معنای «اطاقه» روی آورده، با توجه به کلمه «يُطِيقُونَهُ» که آن را درباره کم طاقتان یا افرادی که تکلیف روزه بر ایشان در اوج سختی و مشقت است، تفسیر می کنند.

فخر رازی در بیان بطلان قول به نسخ می گوید:

«قائلان به منسوخ بودن آیه معتقدند که ناسخ حکم مختار بودن مسلمانان میان روزه و فدیة، آیه ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾ است، در حالی که اینطور نیست؛ زیرا خداوند در پایان این آیه فرموده است: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ (البقره/ ۱۸۵) و اگر این آیه ناسخ می بود، نیازی به ذکر فراز ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ...﴾ در ادامه نبود؛ چراکه در این هنگام، حکم وجوب تخیری روزه که آسان تر بوده، برداشته شده است و حکم شدیدتر که وجوب عینی باشد، اعمال شده است. پس چگونه سزاوار بود که در ادامه بگوید: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾؟» (فخر رازی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲: ۲۴۹).

در تفسیر انوار التنزیل، علاوه بر مسئله اختلاف قرائت که کمک چندانی به حل مشکل نخواهد کرد، به افرادی اشاره می کند که در مقابل مریض و مسافر قرار دارند و روزه گرفتن در همه حال، بر ایشان حرجی است (ر.ک؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱: ۱۲۴).

در ادامه، فاصله گرفتن از نگاه منسوخی به آیه شریفه در این دوره، در تفسیر غرائب القرآن و کنز العرفان هم اشاره به قید مشقت و سختی در «يُطِيقُونَهُ» شده است.

عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» به مسافر و مریض برمی گردد؛ زیرا مریض و مسافر اگر اصلاً شرایط روزه گرفتن ندارند که طبق آیه، قضای آن را در وقت دیگری انجام می دهند، اما چنانچه توانایی آن را هرچند با مشقت و سختی دارند و باز هم روزه نمی گیرند، ملزم به پرداخت فدیة خواهند بود. قول دیگر این است که مصداق این عبارت را سالخوردگانی بگیریم که با تحمل سختی فراوان، قادر بر انجام روزه هستند، یا زنان باردار و شیرده که خوف ضرر بر خود یا فرزندشان دارند که در این صورت، آیه منسوخ نخواهد بود و قرائت شاذ «يُطَوَّقُونَهُ»^۴ نیز این قول را تأیید می کند (ر.ک؛ نظام الأعرج، ۱۴۱۶ ق.، ج ۱: ۴۹۷). ایشان در قول اول، در تطبیق «يُطِيقُونَهُ» دچار اشتباه گردیده، مصداق «يُطِيقُونَهُ» را مریض و مسافر می دانند و سپس در قول دوم، سالخوردگان و مادران باردار یا شیرده را نیز از مصداق آیه به شمار می آورد.

مراد از قول خداوند در «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ»، کسانی هستند که مریض نبوده، عرفاً توانایی بر روزه دارند، لیکن شرایطی بر آنان عارض شده که روزه گرفتن برایشان مشقت دارد؛ مانند: سالخوردگان و مادران باردار یا شیرده. پس حکم ایشان در این آیه ذکر شده است و تقدیر این عبارت چنین می شود: کسانی که توانایی دارند و سپس مانعی برای توانایشان ایجاد شد. پذیرش این دیدگاه موجب می شود که در تقابل تخصیص و نسخ، تخصیص را که اولی بر نسخ است، انتخاب نماییم (ر.ک؛ فاضل مقداد، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۰۳ و سیواسی، ۱۴۲۷ ق.، ج ۱: ۹۲). همچنین، این دیدگاه مویدی از روایات دارد که امام صادق مراد از «الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» را «كَانُوا يُطِيقُونَهُ» معنا کرده اند؛ یعنی افرادی که در گذشته قدرت بر روزه داشتند و در حال حاضر، مشکلی غیر از مریضی یا سفر دارند.

۴. قرن دهم تا سیزدهم (رواج مجدد دیدگاه نسخ و تبیین مصداق «يُطِيقُونَهُ»
از روایات)

همان گونه که اشاره شد، از اواخر قرن ششم تا ابتدای قرن دهم، غالب مفسران مسأله نسخ را منسوخ نمودند و دیدگاه های به روزتری را مطابق با فهم اصل معنای «يُطِيقُونَهُ» ارائه کردند. اما با آغاز قرن دهم و روی کار آمدن اخباریون، مجدداً دیدگاه نسخ تا حدی بروز

سیر تطوّر فهم مفسران از عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ...؛ مهدی عبادی و محمد مختاری | ۱۷۳

و ظهور پیدا کرد و شاهد آن هستیم که مفسران قائل به نسخ شده‌اند. اما یادآوری می‌شود که چون تمرکز و محور تفاسیر بر روایات بوده، اقوالی همچون در تقدیر گرفتن فعل «كَانُوا» یا بیان مصادیق «يُطِيقُونَهُ»، همچون سالخوردگان و مادران باردار یا شیرده نیز در نظرات مفسران به چشم می‌خورد که تا حدی کمک بیشتری به فهم صحیح عبارت می‌کند. در این دوره، در کتاب‌هایی تفسیری، همچون *فواتح الإلهية، منهج الصادقين، تفسیر حسینی (مواهب علیّه)*، تفسیر لاهیجی و عقود المرجان به مسأله نسخ اشاره شده‌است. در ابتدا حکم چنین بود که همه مسلمانانی که روزه نمی‌گرفتند، می‌توانستند به جای هر روز، یک مد طعام به مسکین بدهند و قضا و کفاره‌ای هم بر آنان واجب نبود. سپس این حکم نسخ شد (ر.ک؛ شیخ علوان، ۱۹۹۱ م، ج ۱: ۶۵). عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» در ابتدا مربوط به افرادی بود که طاقت و توانایی بر روزه داشتند، اما بدون هیچ عذری، روزه را ترک می‌کردند که ملزم به پرداخت فدیة شدند. پس از مدتی، این حکم منسوخ گردید. قول دیگری که مطرح است، رخصت در روزه و پرداخت فدیة برای کسانی است که روزه گرفتن برای آنان دشوار است (ر.ک؛ کاشانی، ۱۴۲۳ ق.:: ۳۸۹). همچنین، بیان شده بر آنان که طاقت بر روزه دارند و روزه نمی‌گیرند، پرداخت فدیة واجب است. این حکم در ابتدای اسلام بود و بعداً منسوخ شد. برخی گفته‌اند در این عبارت، «لا» مضموست و تقدیر «لَا يُطِيقُونَهُ»، یعنی کسی که توانایی انجام روزه را ندارند، همانند پیران سالخورده فدیة بدهد که در این صورت، آیه منسوخ نخواهد بود (ر.ک؛ کاشفی، ۱۴۳۱ ق.:: ۵۶). در تفسیر لاهیجی آمده‌است که این حکم روزه ماه رمضان در اول اسلام بود، بنا بر آنکه روزه ماه رمضان در اول اسلام، عادت مردم نبود. پس مخیر شدند میان روزه و افطار، و بعد از آن با آیه ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾ منسوخ گردید و بعضی گفته‌اند که کلمه «لا» مقدر است (ر.ک؛ اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۶۴).

در ابتدا مسلمانان میان روزه و فدیة مخیر بودند و آنگاه با نسخ اختیار، حکم وجوب روزه قطعی شد (ر.ک؛ حقی برسوی، بی‌تا، ج ۱: ۲۹۰ و آلوسی، ۱۴۱۵ ق.، ج ۱: ۴۵۵). برخی گفته‌اند این عبارت در ابتدا حکم جواز روزه را برای سالخوردگان و مادران باردار یا

شیرده بیان کرد. سپس نسبت به مادران باردار یا شیرده نسخ شد و حکم پیران باقی ماند. برخی فعل «کانوا» را در تقدیر گرفته، مراد از عبارت را کسانی می‌دانند که در گذشته توانایی داشتند و در حال حاضر، توانایی آن را ندارند، یا به سختی توان آن را دارند (ر.ک؛ جزایری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۶۸).

۵. قرن چهاردهم و پانزدهم (رواج دیدگاه محکم بودن آیه و تلاش مفسران در فهم عبارت از طریق تبیین حقیقت معنایی «يُطِيقُونَهُ»)

در این دو قرن، برخلاف وجوه نسخ، بیان می‌شود که آیه محکم بوده، با هیچ آیه‌ای نسخ نشده است، بلکه تنها به شخص کهنسال، مریض دائم یا مادران باردار و شیرده که روزه گرفتن برایشان مشقت دارد، اجازه افطار روزه و پرداخت فدیة داده شده است. در واقع، غالب مفسران در قرون معاصر، قید مشقت را به عنوان تعلیل و تکمیل کننده معنای توانایی در یطیقونه دانسته، نهایت توان را در آن لحاظ می‌کنند.

حکم پرداخت فدیة مربوط به کسانی است که با نهایت جهد و سختی روزه را می‌گیرند. «طوق»، اسمی است برای نهایت توان مکلف در انجام فعل (ر.ک؛ بلاغی، بی تا، ج ۱: ۱۵۶-۱۵۷). همچنین، بیان شده که این عبارت مربوط به سالخوردگان، مادران باردار و شیرده و نیز افرادی است که امیدی به خوب شدن از بیماری ندارند. همچنین است شاغلان مشاغل سخت، مانند کارگران معادن و...، و مجرمانی که محکوم به مشاغل طاقت فرسا شده‌اند، شامل این حکم شده، می‌توانند عوض از روزه، فدیة بپردازند (ر.ک؛ مراغی، بی تا، ج ۲: ۷۲). ابن عاشور در تفسیرش به درستی اصل معنایی «يُطِيقُونَهُ» را تبیین کرده، معتقد است که در عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ»، «طاقت» به معنی نزدیک‌ترین حالت به عجز می‌باشد. در واقع، پایین‌ترین مرتبه قدرت که پس از آن انسان ناتوان خواهد شد. از این رو، می‌گویند این تکلیف فوق طاقت است، یا در قرآن آمده است: ﴿رَبَّنَا لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا﴾. بنابراین، مراد از «الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» در آیه، افرادی هستند که توانایی بر روزه گرفتن داشته، اما این توانایی در نازل‌ترین حدّ خودش قرار دارد. این حالت موجب تغییر حکم از

سیر تطوّر فهم مفسران از عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهِ فِدْيَةٌ...؛ مهدی عبادی و محمد مختاری | ۱۷۵

وجوب روزه، به اختیار میان روزه و اطعام مسکین می‌شود (ر.ک؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲: ۱۶۴). در ابتدای تبیین حکم روزه، چون تکلیف روزه بر مسلمانان سنگین بود، خداوند برای افرادی که با انجام روزه متحمل سختی و مشقت می‌شدند، حکم جایگزین را قرار داد که همان پرداخت فدیّه (به جای هر روز، یک مد طعام به مسکین) باشد. این همان مدلول «يُطِيقُونَهُ» یا بالاترین حدّ جهد است. در واقع، این توجیه تنها مقدمه‌ای است برای رفع این رخصت از مکلف سالم و توانمند (ر.ک؛ قطب، ۱۴۲۵ ق، ج ۱: ۱۷۱). سید قطب نیز در تبیین معنای «يُطِيقُونَهُ» به جای پرداختن به دیدگاه نسخ، تقدیر گرفتن یا بیان مصادیق، معنای «يُطِيقُونَهُ» را تبیین و ملاک اختیار میان روزه، و ملاک «فدیّه» را این می‌داند که مکلف با روزه گرفتن، متحمل سختی فراوان گردد.

برخی از مفسران در این دوره، علاوه بر مخالفت با نسخ، حتی در تقدیر گرفتن حرف نفی «لا» یا «کانوا» را هم ناسازگار با آیه می‌دانند. آقای طالقانی می‌گوید:

«چون معنای لغوی اطاقه، حمل یا صرف طاقت "بیر و" است، تقدیر "لا"، یا همزه اطاقه مستفاد از "يُطِيقُونَهُ" را به معنای نفی گرفتن، نابجا و ناسازگار با بلاغت قرآن است. در عرف فارسی نیز طاقت آوردن به تحمل بیش از حد قدرت گفته می‌شود» (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۶۳).

این حکم درباره کهن سال، پیر و ضعیف می‌باشد. «الطّاقه»، یعنی کسی که توان انجام کاری را با مشقت و تحمل سختی داشته باشد. چنین کسی مخیر است که روزه بگیرد و یا افطار کند و فدیّه بدهد؛ یعنی مسکینی را اطعام کند. در این زمینه، روایت صحیحی از اهل بیت^(ع) رسیده است (ر.ک؛ مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۵۰۳).

علامه طباطبایی با در نظر گرفتن سیاق آیات ۱۸۳ تا ۱۸۵ سوره بقره، هر سه آیه را با یکدیگر مرتبط دانسته، با تبیین اصل و اساس معنای «يُطِيقُونَهُ»، به اختلافات در فهم تفسیری آیه شریفه پایان می‌دهند. ایشان در تفسیر المیزان می‌فرمایند:

«دو آیه اول به منزله مقدمه برای آیه سوم است، چون در آیه سوم، تکلیفی واجب می‌شود که بالطبع برای مخاطب سنگین است. به این منظور، دو آیه اول از جملاتی ترکیب شده که به تدریج ذهن شنونده را به سوی وجوب روزه توجه می‌دهد و به این

وسيله، اضطراب ذهن او را از بین می‌برد و در نتیجه، علاقمند به روزه می‌کند، تا با اشاره به تسهیل موجود در تشریح روزه و ذکر فواید آن، استکبار او را بشکند. آنگاه اگر این کلام واحد و پیوسته را با نظریاتی همچون نسخ یا برداشت معنای توانایی از کلمه "يُطِيقُونَهُ" که برخی از مفسران هم بیان کردند، تطبیق دهد، خواهد دید که دیگر آن سیاق پیوسته را ندارد و در آخر می‌گوید: "روزه بر همه شما واجب است"، تا حکم آخر، ناسخ حکم فدیة نسبت به خصوصاً قادران باشد و حکم فدیة نسبت به غیر قادران به حال خود باقی بماند، با اینکه در آیه شریفه، بنا بر این تصویر، حکم غیر قادران اصلاً بیان نشده است» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴).

در ادامه، تلاش مفسران معاصر در فهم و تبیین مراد حقیقی «الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» در تفاسیری همچون احسن الحدیث، الوسیط و مواهب الرحمن توضیحات خوبی نسبت به توأمان بودن قید توانایی و مشقت در کنار یکدیگر بیان شده است و سعی شده با بیان اصل کلی در روند فهم مقصود، شرایطی فراهم گردد تا مصادیق خود را آشکار نمایند.

مراد از «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ...»، کسانی هستند که روزه بر آن‌ها طاققت فرساست؛ مثل پیرمردان، پیرزنان، دختران ضعیف که تازه بالغ شده‌اند، زنان حامله و شیرده و آنان که عطش فوق‌العاده دارند. ظهور آیه آن است که بر هیچ یک از اینها روزه واجب نیست و فقط فدیة (کفاره) می‌دهند، ولی بر بعضی قضا نیز واجب است و باید به «فقه» رجوع شود. فدیة و کفاره برای هر روز یک مد (حدود هفتصد و پنجاه گرم) است که بر فقیر داده می‌شود. اگر یک نفر به عوض یک ماه روزه، ۲۳ کیلو گندم به یک فقیر بدهد، کافی است (ر.ک؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۳۳۵).

حکم مذکور در این آیه، بیانی است برای قاعده کلی از احکام شریعت که همان تسهیل خداوند بر بندگان در عبادات است. جوهری می‌گوید: «طوق، همان طاققت است. گفته می‌شود "هُوَ فِي طَوْقِي"؛ یعنی: آن فعل در وسعش است» (جوهری، ۱۴۰۷ ق، ج ۴: ۱۵۱۹).

به گفته فراهیدی، به هر چیز دایره‌ای شکل که شیء دیگری را احاطه کند، «طوق» گفته شده است؛ مانند سنگ آسیاب که محور را احاطه کرده است. «طائق» هر چیزی، آن است که

سیر تطور فهم مفسران از عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ...؛ مهدی عبادی و محمد مختاری | ۱۷۷

اطرافش را احاطه کرده است؛ از قبیل کوه یا تپه و جمع آن «اطواق» است و «طوق»، مصدر است از «طاق» که اسم می‌باشد (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۲۲). ابن منظور ذیل کلمه «طاقه» چنین می‌نویسد: «طاق، یعنی نهایت قدرت انسان. طاق آن است که برای انسان، انجام عملی همراه با مشقّت و سختی ممکن باشد» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق.، ج ۱۰: ۲۳۳). بنابراین، «يُطِيقُونَهُ» به معنای کسانی است که توانایی کاری را همراه با مشقّت و سختی دارند؛ زیرا «طاق»، اسمی است برای قدرت بر شیء، همراه با تحمل رنج فراوان و کلمه «وسع» برای قدرت همراه با سهولت به کار می‌رود. عرب «أطاق» را استفاده نمی‌کند، مگر زمانی که قدرت بر فعل به نهایت ضعف می‌رسد.

پس معنای قول خداوند در «الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ»، کسانی هستند که با مشقّت روزه می‌گیرند و در انجام تکلیف روزه، نهایت جهد و تلاششان را صرف می‌کنند. در احادیث، گاهی مصادیق این افراد ذکر شده است که عبارتند از: سالخوردگان، افراد نحیف و کسی که داری مرض تشنگی است. آنچه مورد توجه است، عدم نسخ آیه شریفه است؛ زیرا برخی در حکم این آیه و خصوصاً عبارت «عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» ادعای منسوخ شدن کرده‌اند که دلیلی بر آن نبوده، مگر غیر معنای اصطلاحی نسخ مراد باشد (ر.ک؛ سبزواری، ۱۴۰۹ ق.، ج ۳: ۱۰).

آیت الله صادقی تهرانی نیز همچون علامه طباطبائی، ضمن تبیین معنای دقیق و واژه‌شناسی عمیق «يُطِيقُونَهُ» تأکید می‌نماید، «اطاقه» به معنی مصرف کردن همه قدرت و توان در انجام تکلیف است. در واقع، مصداق «يُطِيقُونَهُ»، هر کسی است که نهایت عسر درباره او جریان دارد. بیان ایشان در تفسیر الفرقان عبارت است از:

«"اطاق" از "طاق" مشتق شده است و "طاق" به معنای "قوی" است و چون به باب افعال رفته، معنایی غیر از قدرت و قوت را می‌رساند و به معنای چرخش و پیچش بر چیزی و قدرت فراگیر آن است. پس "طاق"، یعنی بر چیزی قدرت دارد، ولی "اطاقه"، یعنی "همانند طوق بر گردن، بر آن چیز احاطه کرده و بر آن پیچیده است، به طوری که نمی‌تواند تحرک داشته باشد". پس اطاقه، سلب و از بین بردن قدرت، یا عکس آن است و یا اطاقه به معنای مصرف کردن همه طاق و قدرت است که با کوشش و مشقّت انجام

می‌گیرد. بنابراین، از اصحاب اطاقه، تکلیف واجب برداشته می‌شود؛ زیرا قله عسر است و چون عسری پایین‌تر از اطاقه، همانند مسافر و مریض برداشته شده‌است، به طریق اولی از "یطیقونه"، اطاقه که عسر بیشتر و بالاتری است، تکلیف برداشته خواهد شد» (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۳: ۲۳).

کسانی که با نهایت زحمت باید روزه بگیرند (مانند پیرمردان، پیرزنان و بیماران مزمن که بهبودی برای آن‌ها نیست)، لازم نیست مطلقاً روزه بگیرند، بلکه باید به جای مسکینی را اطعام کند. آیت‌الله مکارم شیرازی در مخالفت با نسخ آیه شریفه می‌فرماید:

«هرچند عده‌ای در تلاش بوده‌اند اینطور تبیین کنند که روزه در آغاز تشریح، واجب تخیری بود و مکلفین در انجام روزه یا پرداخت فدیة مخیر بودند، سپس این حکم منسوخ شده‌است، ولی ظاهراً این است که عبارات مذکور در آیه شریفه همچون، ﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ﴾ یا ﴿أَنْ تَصُومُوا خَيْرًا لَكُمْ﴾ مؤکداتی بر استثنائات حکم روزه، در نظر گرفتن شرایط همه مکلفین در حکم و نیز بیان فلسفه روزه است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۶۲۴-۶۲۶).

۶. نتیجه

با بررسی‌های انجام‌شده در این تحقیق، روشن شد که برحسب سیر زمانی از قرن اول تا عصر حاضر، به ترتیب سیر فهم مفسران، مباحثی همچون اختلاف قرائت، فرضیه نسخ، در تقدیر گرفتن حرف نفی یا فعل «کأنوا»، بیان مصادیق «یطیقونه» و تبیین معنای دقیق این ماده در آیه مورد بحث بوده‌است.

۱— در قرن اول تا سوم، سیر فهم تفسیر عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ...» از بحث اختلاف قرائت و معنای نفی در فعل «یطیقونه» به تدریج به سمت مسأله منسوخ بودن آیه گرایش پیدا می‌کند. در واقع، نقطه شروع فرضیه نسخ آیه شریفه از تفاسیر قرن سوم به بعد می‌باشد.

۲— در قرن چهارم تا ششم، مسأله نسخ حکم عبارت محل بحث که از ابتدای قرن سوم مطرح شد، ادامه پیدا می‌کند و بسیار پررنگ‌تر می‌شود. در واقع، مفسران در این برهه سعی کردند وجوه مختلفی برای منسوخ بودن آیه مطرح نمایند، تا از چالش جواز روزه برای

سیر تطور فهم مفسران از عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ...؛ مهدی عبادی و محمد مختاری | ۱۷۹

مكلفان قادر نجات پیدا کنند. شاید علت آن، دور شدن از فضای نزول آیه و کم توجهی به حقیقت معنای «يُطِيقُونَهُ» بوده که مفسران را بر آن داشته، تا برای تبیین فهم صحیح آیه، متمسک به نسخ شوند.

۳— در ادامه دیدگاه منفی به نسخ عبارت مذکور که از پایان قرن ششم به تدریج آغاز گردید، در قرن هفتم تا نهم، شاهد این نگاه به مسأله نسخ هستیم و حتی مفسرانی همچون فخر رازی قائل به بطلان نسخ در آیه ۱۸۴ سوره بقره می‌شوند. پیرو این دیدگاه، مفسران دیگر نیز همچون طبرسی و قشیری در قرن ششم به حقیقت معنای «اطاقه» روی آوردند و با توجه به کلمه «يُطِيقُونَهُ» که آن را درباره کم طاقتان تفسیر می‌کنند.

۴— با آغاز قرن دهم و روی کار آمدن اخباریون، مجدداً دیدگاه نسخ تا حدی بروز و ظهور پیدا کرد و شاهد آن هستیم که مفسران قائل به نسخ شده‌اند. اما یادآوری می‌شود که چون تمرکز و محور تفاسیر بر روایات بوده، اقوالی همچون در تقدیر گرفتن فعل «كَانُوا» یا بیان مصادیق «يُطِيقُونَهُ» همچون سالخوردگان و مادران باردار یا شیرده نیز در نظرات مفسران به چشم می‌خورد.

۵— در دو قرن اخیر، برخلاف وجوه نسخ، بیان می‌شود که آیه منسوخ نیست، بلکه غالب مفسران، قید مشقت را به عنوان تکمیل کننده معنای توانایی در «يُطِيقُونَهُ» دانسته، اوج توانایی را در آن لحاظ می‌کنند. از میان همه این دیدگاه‌ها در این دو قرن، تلاش مفسران در برداشت صحیح از آیه کمک شایانی کرده‌است. این تلاش‌ها از طریق کشف حقیقت معنای «يُطِيقُونَهُ» بوده که به مقارنت قید مشقت در ماده «يُطِيقُونَهُ» انجامیده‌است.

پی‌نوشت‌ها

۱— «قال معمر: وأخبرني من سمع سعيد بن جبیر، ومجاهد، وعكرمة كانوا يقرءونها: يطوقونه» (الآیه / ۱۸۴).

۲— أخرجه ابن جرير عن عائشة في تفسيره بإسناد صحيح (۳/ ۴۳۰)، وابن كثير في تفسيره بمعناه (۲۱۵/۱).

۳- سأل ابن بکر عن الإمام الصادق في كلام الله تعالى: ﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ﴾؛ قال: عَلَى الَّذِينَ كَانُوا يُطِيقُونَ الصَّوْمَ ثُمَّ أَصَابَهُمْ كِبَرٌ أَوْ عِطَاشٌ أَوْ شِبْهُ ذَلِكَ فَعَلَيْهِمْ لِكُلِّ يَوْمٍ مَدَّةٌ.

۴- تفعيل من الطوق إما بمعنى الطاقة أو القلادة أي يكلفونه، أو يقلدونه؛ والتركيب يستعمل فيمن يقدر على شيء مع ضرب من المشقة والكلفة

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Mahdi Ebadi



<https://orcid.org/0000-0002-1573-3966>

Mohammad Mokhtari

منابع

قرآن کریم.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ ق.). تفسیر القرآن العظیم. ج ۳. ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.

ابن عاشور، محمدطاهر. (۱۴۲۰ ق.). التحریر والتنویر. بیروت: مؤسسة التاریخ.

ابن عباس، عبدالله بن عباس. (۱۴۱۱ ق.). صحیفه ابی طلحه فی تفسیر القرآن عن ابن عباس. تحقیق رجال راشد عبدالمنعم. قاهره: مکتبه السنه.

ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم. (۱۴۱۱ ق.). تفسیر غریب القرآن. بیروت: دار و مکتبه الهلال.

اشکوری، محمد بن علی. (۱۳۷۳). تفسیر شریف لامیجی. تهران: دفتر نشر داد.

بابایی، علی اکبر. (۱۳۸۷). تاریخ تفسیر قرآن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ ق.). تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

بلاغی، محمدجواد. (بی تا). آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن. قم: وجدانی.

بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ ق.). أنوار التنزیل وأسرار التأویل. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

جزایری، نعمت الله بن عبدالله. (۱۳۸۸). عقود المرجان فی تفسیر القرآن. قم: نور وحی.

حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی. (بی تا). تفسیر روح البیان. بیروت: دار الفکر.

سیر تطوّر فهم مفسران از عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ...؛ مهدی عبادی و محمد مختاری | ۱۸۱

حوی، سعید. (۱۴۲۴ ق.). *الأساس في التفسير*. ج ۶. قاهره: دار السلام.
زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ ق.). *الكشاف*. ج ۳. بیروت: دار الكتاب العربي.
دینوری، عبدالله بن محمد. (۱۴۲۴ ق.). *الواضح في تفسير القرآن الكريم*. بیروت: دار الكتب العلمية.
سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ ق.). *تفسير بحر العلوم*. بیروت: دار الفكر.
سیواسی، احمد بن محمود. (۱۴۲۷ ق.). *عيون التفاسير*. بیروت: دار صادر.
صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۰۶ ق.). *الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن والسنة*. ج ۲. قم: فرهنگ اسلامی.

صنعانی، عبدالرزاق بن همّام. (۱۴۱۱ ق.). *تفسير القرآن العزيز*. بیروت: دار المعرفة.
طالقانی، محمود. (۱۳۶۲). *پرتوی از قرآن*. ج ۴. تهران: شرکت سهامی انتشار.
طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸ م.). *التفسير الكبير*. اردن: دار الكتاب الثقافي.
طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲ ق.). *تفسير جوامع الجامع*. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
_____ . (بی تا). *ترجمه تفسیر مجمع البیان*. تهران: فراهانی.
طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ ق.). *جامع البیان في تفسير القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
طنطاوی، محمد سید. (۱۹۹۷ م.). *التفسير الوسيط للقرآن الكريم*. قاهره: نهضة مصر.
طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبيان في تفسير القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
علوان، نعمه الله بن محمود. (۱۹۹۹ م.). *الفواتح الإلهية و المفاتيح الغيبية*. قاهره: دار ركابی للنشر.
فراء، یحیی بن زیاد. (۱۹۸۰ م.). *معاني القرآن*. ج ۲. مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
فاضل، مقداد بن عبدالله. (۱۳۷۳). *کنز العرفان في فقه القرآن*. تهران: مرتضوی.
فنیسان، سعود عبدالله. (۱۴۱۳ ق.). *مرويات أم المومنین عائشه*. ریاض: مكتبة التوبة.
قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۵۷). *تفسير احسن الحديث*. ج ۲. تهران: بنیاد بعثت. مرکز چاپ و نشر.
قشیری، عبدالکریم بن هوازن. (۲۰۰۰ م.). *لطائف الاشارات*. ج ۳. قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

قطب، سید. (۱۴۲۵ ق.). *في ظلال القرآن*. ج ۳۵. بیروت: دار الشروق.
کاشانی، فتح الله بن شکرالله. (۱۴۲۳ ق.). *زبدة التفاسير*. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
کاشفی، حسین بن علی. (بی تا). *تفسير حسینی (مواهب علیه)*. سراوان: کتابفروشی نور.

- مراغی، احمد مصطفی. (بی تا). *تفسیر المراغی*. بیروت: دار الفکر.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۳۷۸). *ترجمه تفسیر کاشف*. قم: بوستان کتاب.
- مقاتل بن سلیمان، ابوالحسن. (۱۴۲۳ ق.). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. چ ۱۰. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- میبدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). *کشف الاسرار و عدة الابرار*. چ ۵. تهران: امیر کبیر.
- موسوی سبزواری، عبدالاعلی. (۱۴۰۹ ق.). *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*. چ ۲. بی جا: دفتر آیت الله العظمی السبزواری.
- نظام الأعرج، حسن بن محمد. (۱۴۱۶ ق.). *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- واحدی، علی بن احمد. (۱۴۱۵ ق.). *الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*. لبنان، بیروت: دار القلم.

Reference

The Holy Quran.

- Alvan, Nameullah ibn Mahmoud. (1999). *Al-Fawateh al-Elahiyat va al-Mafateh al-Gheybiyat*. Cairo: Dar Rekabi lel-Nashr. [In Arabic].
- Bababei, Ali Akbar. (1387). *The History of Interpretation of the Qur'an*. Qom: University and District Research Institute. [In Persian].
- Baghvi, Hossein ibn Masoud. (1420 A.H.). *Tafsir al-Baghawi al-Mosamma M'aalem al-Tanzil*. Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabi. [In Arabic].
- Balaghi, Mohammad Javad. (ND). *Ala al-Rahman fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Vojdani. [In Persian].
- Beyzavi, Abdullah ibn Omar. (1418 A.H.). *Anvar al-Tanzil va Asrar al-Tavil*. Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabi. [In Arabic].
- Dinavari, Abdullah ibn Mohammad. (1424 A.H.). *al-Vazeh fi Tafsir al-Qur'an al-Karim*. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiyeh. [In Arabic].
- Eshkevari, Mohammad ibn Ali. (1373). *Tafsir-e Sharif-e Lahiji*. Tehran: Dad Publication Office. [In Persian].
- Haghi Brosavi, Ismail ibn Mostafa. (ND). *Tafsir Rouh al-Bayan*. Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic].
- Havi, Saeed. (1424 A.H.). *al-Asas fi al-Tafsir*. 6th. Cairo: Dar al-Salam. [In Arabic].
- Ibn Abbas, Abdullah ibn Abbas. (1411 A.H.). *Sahifat Abi-Talhat fi Tafsir al-Qur'an 'an ibn Abbas*. Research by Rejal Rashid Abdul Mon'em. Cairo: Maktaba al-Sunnah. [In Arabic].

- Ibn Abi Hatim, Abd al-Rahman ibn Mohammad. (1419 A.H.). *Tafsir al-Qur'an al-Azeim*. 3th. Riyaz: Nizar Mostafa Elbaz Library. [In Arabic].
- Ibn Ashour, Mohammad ibn Tahir. (1420 A.H.). *Al-Tahrir va al-Tanvir*. Beirut: History Institute. [In Arabic].
- Ibn Qotaybeh, Abdullah ibn Moslim. (1411 A.H.). *Tafsir Gharib al-Qur'an*. Beirut: Dar and al-Helal Library. [In Arabic].
- Jazaeri, Nematullah ibn Abdullah. (1388). *Oghod ul-Marjan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Boor Vahy. [In Persian].
- Farra, Yahya ibn Ziyad. (1980). *Al-Ma'ani al-Qur'an*. 2th. Egypt: The Egyptian General Authority for the Book. [In Arabic].
- Fazel, Meghdad ibn Abdullah. (1373). *Kanz al-Erfan fi al-Feghh al-Qur'an*. Tehran: Mortazavi. [In Persian].
- Fenisan, S'aoud Abdullah. (1413 A.H.). *Marviyyat Omm al-Mo'menin Ayesha*. Riyaz: al-Touba School. [In Arabic].
- Kashani, Fathullah ibn Shokrullah. (1423 A.H.). *Zobdat al-Tafasir*. Qom: Islamic Encyclopaedia Institute. [In Persian].
- Kashefi, Hossein ibn Ali. (ND). *Tafsir Hosseini (Mavaheb Elliyah)*. Saravan: Noor Bookstore. [In Persian].
- Makarem Shirazi, Nasser. (1371). *Tafsir Nemouneh*. Vol. 10. Tehran: Islamic Books Dar. [In Persian].
- Maraghi, Ahmed Mostafa. (ND). *Tafsir al-Maraghi*. Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic].
- Meybodi, Ahmed ibn Mohammad. (1371). *Kashf al-Asrar va 'Oddat al-Abrar*. 5th. Tehran: Amir Kabir. [In Persian].
- Moghatel ibn Soleiman, Abul Hasan. (1423 A.H.). *Tafsir Moghatel ibn Soleiman*. Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabi. [In Arabic].
- Moghneyeh, Mohammad Javad. (1378). *Tarjomeh Tafsir Kashef*. Qom: Bousthan Ketab. [In Persian].
- Mousavi Sabzevari, Abdul A'ala. (1409 A.H.). *Mavaheb al-Rahman fi Tafsir al-Qur'an*. 2th. Np.: the Office of Grand Ayatollah Al-Sabzvari. [In Persian].
- Nizam al-A'araj, Hasan ibn Mohammad. (1416 A.H.). *Tafsir Ghara'eb Al-Qur'an va Ragh'a'eb Al-Forghan*. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiyah. [In Arabic].
- Qotb, Seyyed. (1425 A.H.). *Fi Zelal al-Qur'an*. 35th. Beirut: Dar al-Shorough. [In Arabic].
- Qoreshi Banabi, Ali Akbar. (1357). *Tafsir Ahsan Hadith*. 2th. Tehran: Bethat Institute & Publishing Center. [In Persian].
- Qosheyri, Abdul Karim ibn Havazen. (2000 AD). *Lata'ef al-Esharat*. 3th. Cairo: The Egyptian General Authority for the Book. The Egyptian General Authority for the Book. [In Arabic].

- Sadeghi Tehrani, Mohammad. (1406). *Al-Forghan fi Tafsir al-Qur'an bel-Qur'an va al-Sunnah*. 2th. Qom: Islamic Culture. [In Persian].
- Samarghandi, Nasr ibn Mohammad. (1416 A.H.). *Tafsir Bahr ul-Oloum*. Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic].
- San'ani, Abdul Razzagh ibn Hammam. (1411 A.H.). *Tafsir al-Qur'an al-Aziz*. Beirut: Dar al-Marefat. [In Arabic].
- Sivasi, Ahmad ibn Mahmoud. (1427 A.H.). *Oyoun al-Tafasir*. Beirut: Dar Sader. [In Arabic].
- Tabarani, Soleiman ibn Ahmad. (2008). *Al-Tafsir al-Kabir*. Jordan: Dar al-Ketab al-Thaghafi. [In Arabic].
- Tabari, Mohammad ibn Jarir. (1412 A.H.). *Jame al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Marafat. [In Arabic].
- Tabresi, Fazl ibn Hasan. (1412 A.H.). *Tafsir al-Javame al-Jame*. Qom: Seminary Management Center. [In Persian].
- (ND). *Tarkomeh al-Majama al-Bayan Commentary*. Tehran: Farahani. [In Persian].
- Taleghani, Mahmoud. (1362). *Patovi az Qur'an*. 4th. Tehran: Publishing Company. [In Persian].
- Tantavi, Mohammad Seyyed. (1997). *Al-Tafsir al-Vasit lel-Qur'anal-Karim*. Cairo: Nehzat Mesr. [In Arabic].
- Tousi, Mohammad ibn Hasan. (ND). *Al-Tebyan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabi. [In Arabic].
- Vahidi, Ali ibn Ahmad. (1415 A.H.). *Al-Vajiz fi Tafsir al-Ketab al-Aziz*. Beirut: Dar al-Ghalam. [In Arabic].
- Zamakhshari, Mahmoud ibn Omar. (1407 A.H.). *al-Kasshaf*. 3th. Beirut: Dar al-Ketab al-Arabi. [In Arabic].

استناد به این مقاله: عبادی، مهدی و مختاری، محمد. (۱۴۰۱). سیر تطوّر فهم مفسران از عبارت «و علیّ الذین یطیقونه فدیة طعام مسکین» در آیه ۱۸۴ سوره بقره، دوفصلنامه علمی سراج منیر، ۱۳ (۴۵)، ۱۶۱-۱۸۴.

DOI: 10.22054/ajsm.2023.66839.1814



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.